

ادبیات انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی را چند نکته می‌توان دانست؛ نخست آنکه انقلاب، پیروز شده بود و همین باور «توانستن» و «شدن» را به جامعه بخشیده بود. مسیحای انقلاب، در جان مردم دمیده بود و «زندگی»، «فردا» «نشاط» و «امید»، همچون خونی زنده و تپنده در تاروپود ذهن و ضمیر جامعه جاری شده بود. نکته دوم آنکه انقلاب اسلامی با باور «موعود و انتظار و ظهور» همراه بود و همین، یعنی فردا تاریک نیست، جاده باریک نیست، پیروزی نهایی نزدیک است.

اگر نام دفترهای شعری که در نخستین سال‌های انقلاب به چاپ رسید مطالعه شود حجت بالغه و روشن بر این امید و آرمان‌گرایی آشکار خواهد شد. «در کوچه آفتاب» و «تنفس صبح» دو دفتر شعر زنده‌یاد قیصر امین‌پور، «از آسمان سبز» دفتر شعر زنده‌یاد سلمان هراتی، «ریشه در ابر» از محمدرضا عبدالملکیان، «سرود سپیده» از زنده‌یاد حمید سبزواری، «تولد در میدان» از حسین اسرافیلی و دیگر دفترهای شعری همه با نام‌هایی زینت‌یافته‌اند که مترجمان امید و روشن‌نگاری و سپید باوری فرداهاست.

۲. ریشه در زلال فرهنگ دینی و مذهبی

حضور فرهنگ اسلامی پویا و زایا، به‌ویژه فرهنگ زنده و شورانگیز عاشورا، ادبیاتی را رقم زد که در آن رخوت و خمودگی دیده نمی‌شد. نمادها و نمادهای دینی به‌ویژه عناصر و چهره‌های درخشان تاریخ اسلام، مفاهیم ژرف و حرکت‌بخش دینی و مذهبی به سروده‌ها و نوشته‌ها جان و توان و «زبان» ویژه بخشیده بود.

اگر ادبیات قبل از انقلاب مانند شعر و به‌خصوص ادبیات داستانی مطالعه شود، می‌توان دید که دین و نمادها و ارزش‌ها به باد طعن و تمسخر گرفته می‌شوند و چهره‌ای خرافی از دین به نمایش در می‌آید. وقوع انقلاب این زنگارها را زدود و دین «دینامیک و پویا» را نمایاند که بازتاب این «نگاه نو» و فهم تازه از دین، در هیچ قلمروی به اندازه ادبیات چهره نشان نداد.

چهل سالگی را قله کمال و فصل بلوغ انسان می‌دانند؛ قله‌نشینان کمال انسانی - انبیا - نیز چه بسیار در چهلمین سال زیست خود، پیامبر و «وحی آشنا» شدند.

اینک به چهلمین سال بعثت انقلاب رسیده‌ایم؛ انقلابی که معادله‌های ناعادلانه زمان را در هم شکست تا منادی معادله عدالت باشد و رسم تازه زیستنی زیبا را نوید و امید بخشد.

خطی کشید روی تمام سؤال‌ها

تعریف‌ها، معادله‌ها، احتمال‌ها

این انقلاب، همچنان که همه صاحب‌نظران گفته‌اند، نخستین تحول را در عرصه ادبیات رقم زد؛ شعارها و شعرها، دیوار نوشته‌ها و شب‌نامه‌ها آیت روشن این تحول و نخستین پدیده‌های ادبی بودند که به میدان آمدند تا بگویند مردم سرشکستن حصارها و دیوارها و تنفس در هوای تازه و فضای تازه دارند.

با پیروزی انقلاب که هویت خویش را با «اسلام» پیوند داده بود، ادبیاتی در باغ فرهنگ ایران شکفت که بوی و روی تازه داشت و از ملوکوتی دیگر نام و نشان یافته بود؛ این ادبیات که آن را ادبیات انقلاب اسلامی می‌نامند ویژگی‌هایی داشت و دارد که آن را از گذشته ادبی متمایز می‌سازد.

۱. آرمان‌گرا و امیدوار و روشن‌نگر

آنسان که ادبیات پیش از انقلاب اسلامی را می‌شناسند خوب می‌دانند که سایه سیاه یأس، گستره ادبیات، به‌ویژه شعر را زیر بال و پر گرفته بود. واژه‌های آشنای بن‌بست، زمستان، تاریک، سیاه، سرد، مرگ، صدای جاری در کوچه‌های شعر بود. حتی نام مجموعه شعرها نیز راوی همین انگاره و باور بود. فضای ادبیات داستانی نیز متأثر از نیست‌انگاری‌های سارتر و سال‌بلو و کامو، در مه و غبار یأس فرو رفته بود. با سرزدن سپیده انقلاب، امید و سرزندگی به فضای ادبیات بازگشت. سبب و دلیل امیدواری و سرزندگی در ادبیات



۳. هم زیستی دین و ملیت، سنت و نوآوری

بودند و هستند که می‌انگارند لازمه ملیت باوری و ایران‌خواهی، دین‌ستیزی است. نقطه مقابل این باور، ناسازگارپنداری دین با ملیت است. ادبیات عصر انقلاب نشان داد که این دو همساز و همسایه‌اند. دوستی و عشق‌ورزی به وطن، وطنی که هستی و مستی و تاریخ خویش را به مدد دین شکوفا و پایا یافته است، عشق به دین است و دین‌باوری با وطن‌یاوری یکی است.

همین درک روشن، زمینه‌ای شد که در ادبیات انقلاب، شاعران و نویسندگان ارزش‌های ملی و حماسی ایران را با ارزش‌های دینی و مذهبی در آمیزند و آن‌ها را یگانه بدانند.

پیوند «درفش» و «امام» یعنی تلفیق دین و ملیت، در این برش از سروده‌آمین‌پور پیداست: در گوششان کلام امام است / فتوای استقامت و ایثار / بر دوششان درفش قیام است.

در کتاب‌های داستان، خاطره، زندگی‌نامه و نامه‌های جبهه و نامه‌های آزادگان از اسارت، دغدغه دین و ملیت چشم‌نواز است. حتی اگر وصیت‌نامه‌های شهدا مرور شود، این امتزاج مقدس مشهود و محسوس است. ادبیات انقلاب اسلامی، همسایگی و همراهی سنت و نوآوری است. این ادبیات نه به شیوه برخی چهره‌های عصیانگر ادبی در عصر مشروطه که به کلی خط بر ادبیات کهن می‌کشیدند و به حذف حافظ و سعدی

و مولانا می‌اندیشیدند، و نه به شیوه برخی که با هر گونه نوآوری سرستیز داشتند، هر دو جریان سنت و نوآوری را پذیرفت و از ظرفیت هر دو بهره گرفت. در ادبیات انقلاب، «گذشته»، سرمایه عظیمی است که باید از آن بهره گرفت اما در آن متوقف نشد و به ستایش و پرستش آن اکتفا نکرد؛ همچنان که «نو» را نباید یکسره تسلیم شد و با هر نو، گذشته را کهنه و دل‌آزار انگاشت. دفتر شعر شاعران جوان گواه است که شعر سپید و نیمایی به همان اندازه حضور دارد که شعرهای سنتی و کلاسیک مانند غزل و رباعی و

ادبیات انقلاب اسلامی، همسایگی و همراهی سنت و نوآوری است. این ادبیات نه به شیوه برخی چهره‌های عصیانگر ادبی در عصر مشروطه که به کلی خط بر ادبیات کهن می‌کشیدند و به حذف حافظ و سعدی و مولانا می‌اندیشیدند، و نه به شیوه برخی که با هر گونه نوآوری سرستیز داشتند، هر دو جریان سنت و نوآوری را پذیرفت و از ظرفیت هر دو بهره گرفت

دوبیتی و قصیده و مثنوی.

در ادبیات داستانی نیز بهره‌گیری از تکنیک‌ها و ظرفیت‌های جدید در عین وفاداری به سنت‌های ادبی رواج و استمرار دارد.

۴. تلفیق گونه‌ها و انواع ادبی

تقریب و نزدیک‌سازی گونه‌های ادبی به هم برای خلق فضاهای تازه و کشف ظرفیت‌ها و رسیدن به گستره‌ای فراخ‌تر برای سخن گفتن و خلق اثر، از ویژگی‌های ادبیات انقلاب اسلامی است. در شعر، ظرفیت‌های نمایشی و سینمایی، در داستان، ترکیب خاطره با داستان و داستان با زندگی‌نامه گونه‌های جدیدی را سبب شده است که نوعی سرگردانی در نام‌گذاری آن‌ها دیده می‌شود. شاعران جوان غزل‌های نمایشی، غزل‌های سینمایی، غزل‌نامه، غزل-مثنوی، مثنوی-غزل‌های ناب و دلپذیر دارند و نویسندگان، به ویژه نویسندگان حوزه دفاع مقدس، با بهره‌گیری از عناصر داستانی در خاطره‌نگاری و زندگی‌نامه‌نویسی، آثار بدیع و ارجمندی را رقم زده‌اند که با اقبال و استقبال فراوان مواجه شده است. برخی گونه‌ها مانند خاطره‌نویسی و زندگی‌نامه‌نویسی و سفرنامه‌نگاری در هیچ روزگاری به اندازه روزگار ما بسط و گسترش و ژرفا نیافته است. ویژگی دیگر چون مردم‌گرایی، پرداختن به مسائل جهانی، پدیده‌های نوظهور ادبی مانند پیامک، رایانامه، وصیت‌نامه، سنگر نوشته‌ها، میثاق نامه‌ها و دست‌نوشته‌ها نیز از مظاهر و نمودهای ادبیات انقلاب اسلامی است که هر یک بایستی مستقل و گفتاری جداگانه

می‌طلبند.

چهل سالگی ادبیات انقلاب اسلامی فرصتی است تا ابعاد و زوایای این ادبیات نو پدید کاویده و شناخته و شناسانده شود، که در این میان فرهیختگان دبیر، شایسته‌ترین زبان و کسان در طرح این قلمرو کمتر کاویده شده هستند.

کوثر زلال و جاری ادبیات انقلاب اسلامی، همچنان جوشان و خروشان پیش می‌رود. آیا فرداهایی بارورتر از امروز را شاهد خواهیم بود؟ با شما هیچ ناممکنی جرئت حضور در این بهشت نخواهد یافت.